info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۵۵۷
شنبه / ۱۹ بهمن / ۱۳۹۸
۱۳ / جمادی الثانی / ۱۴۴۱
08 / Feb/ 2020

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان، رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۴۸۲۸-۳۲۵۳۴۴۴۳ ۰۲۶۳۲۵۵۲۸۳۸ فکس ۳۲۵۵۲۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۳۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر



کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

با شعرای کرج

خورشیدنهان

از آن ترسم که روزم را، تو خورشید نهان باشی
و بر شامِ سیاوش ها همان ماه کنعان باشی

بیخشی بر شب شب پیشگان نور سخاوت را
و پنهان در هوای اربیم، مرثیه خوان باشی

پری وش فیروزبخت

یادداشت

دو روی سکه سبک مدیریت استیو جابز

استیو جابز به هیچ عنوان و هیچ گاه یک رهبر سازمانی عادی و سنتی نبود و سبک مدیریتی او چیزی نبود که در کتاب‌های درسی و دانشگاهی حوزه مدیریت و رهبری به چشم می‌خورد.

از نظر اغلب کسانی که با او کار کرده‌اند او نه یک رئیس یا مافوق بلکه یک همکار دلسوز و معلم‌گونه بود که منبع بیکرانی از ایده‌ها و خلاقیت‌ها به‌حساب می‌آمد. او کسی بود که شرکت اپل را به همراه دوست قدیمی‌اش استیو یوزنیاک و با سرمایه ۱۳۰۰ دلار در سال ۱۹۷۶ بنیان گذاشت اما ۹ سال بعد یعنی در سال ۱۹۸۵ به شکل هوشمندانه‌ای از آن کناره گرفت و دوازده سال بعد در سال ۱۹۹۷ بازگشتی باشکوه به شرکتش داشت و با نوآوری‌هایی که پس از این بازگشت برای دنیای تکنولوژی به ارمغان آورد دنیا را تکان داد.

خروج استیو جابز از شرکتی که خودش آن را بنیان گذاشته بود در سال ۱۹۸۵ برای خیلی‌ها غافلگیرکننده و عجیب بود اما برای خود او نه این اخراج خودخواسته، جنبه دیگری از سبک رهبری استیو جابز را هویدا ساخت. او بلافاصله پس از ترک شرکت اپل اقدام به خریداری شرکت پیکسار کرد که یک شرکت کوچک انیمیشن‌سازی بود اما به لطف خلاقیت و نبوغ بی‌نظیر استیو جابز به شرکتی پیشگام در صنعت انیمیشن‌سازی در جهان تبدیل شد که توانست فیلم‌های محبوبی چون داستان اسباب‌بازی‌ها را تولید کند. در همان زمان جابز شرکت NeXT را بنیان گذاشت که خیلی زود به موفقیت‌های بزرگی دست یافت و بعدها شرکت اپل سهام آن را خریداری کرد.



متیو پاول، سردبیر مجله Mac و از همکاران قدیمی استیو جابز در مورد این دوره از زندگی کاری او می‌نویسد: «از هبوری شرکت‌های پیکسار و NeXT در دوران دوری استیو از شرکت اپل درس‌های بسیاری به او آموخت و مهم‌تر از همه به او نظم و سبوری را یاد داد و همین نظم و برد‌باری بود که پس از بازگشت رویایی استیو جابز به اپل در سال ۱۹۹۷ باعث موفقیت‌های شگفت‌انگیز او و شرکت اپل شد.

در واقع دوران مدیریتی جابز در شرکت اپل پس از ۱۹۹۷ به هیچ عنوان با دوران قبل از ترک شرکت قابل مقایسه نیست. تا قبل از سال ۱۹۸۵، استیو جابز مدیری بود خودمدار و عصبی که از کارکنان و زیردستانش فاصله می‌گرفت و تمام موفقیت‌های شرکت را به نام خودش می‌نوشت و ناکامی‌های شرکت را به گردن دیگران می‌انداخت و آنها را مورد سرزنش قرار می‌داد. اما استیو جابز سال ۱۹۹۷ چهره‌ای کاملا متفاوت بود. در این دوره او فردی صبور، مهربان و از خود گذشته بود که برای کارکنان شرکت نه یک مدیر بلکه همکاری دلسوز بود و خود را وقف شرکت و کارکنانش کرده بود.

دوران درخشان استیو جابز پس از بازگشت به اپل در سال ۱۹۹۷ را می‌توان دوران حضور او در همه‌جا و نقش‌آفرینی‌اش در همه‌چیز دانست. در این دوران او به راحتی در دسترس تمام کارکنان شرکت اپل قرار داشت به‌طوری که دون‌یابه‌ترین کارکنان شرکت عظیم اپل هم می‌توانستند به‌راحتی به او دسترسی داشته باشند و از او انتقاد کنند و به او پیشنهاد دهند و در تمام این موقعیت‌ها استیو جابز با لبخند و روی گشاده با آنها رفتار می‌کرد. او دوست داشت در هر زمینه‌ای پیشنهاددهنده باشد؛ از طراحی اتوبوس‌های ویژه کارکنان اپل گرفته تا غذاهایی که در غذاخوری شرکت سرومی‌شد. استیو جابز در سال‌های پس از ۱۹۹۷، فرهنگ پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری سفت و سختی را در شرکت اپل گسترش داد که خود او در این زمینه پیشگام بود و بیش از هر کس دیگری در شرکت مسئولیت‌پذیر و پاسخگو بود. جلسات دوشنبه صبح شرکت که جابز هر هفته با مدیران ارشد شرکت برگزار می‌کرد با وسواس و دقت تمام انجام می‌شد و طی آنها کوچک‌ترین جزئیات و مسائل مربوط به فرآیندها و محصولات در دست تولید شرکت مورد بررسی قرار می‌گرفت و همین مسأله موجب افزایش روحیه پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری مدیران و کارکنان اپل می‌شد.

نویسنده: سارا مک اینرنی
مترجم: سیدحسین علوی لنگرودی

گزارش

وزیر اقتصاد با اشاره به ادعای نامزدهای انتخاباتی پیرامون اموال‌شان:

ادعاهایشان سند بیت ندارد، باور نکنید

به گزارش پیام آشنا به نقل از شهروند آنلاین، تویت نامزدهای نمایندگی مجلس یازدهم درباره میزان دارایی‌شان در حالی خبرساز شده است که هیچ سامانه‌ای وجود ندارد تا ادعای مدیران و کاندیداهای نمایندگی مجلس را شفاف‌سازی کند. عمده بهانه مدیران ایرانی در این‌باره نبود بانک‌های اطلاعاتی است. ادعایی که اکبر ترکان، مشاور سابق روحانی در گفت‌وگو با «شهروند» آن را اکیدا رد می‌کند.

البته همین چند وقت اخیر ۸۰میلیون ایرانی برای دریافت یارانه بنزین آن‌قدر دقیق رصد شدند که حتی مدل خودروی افراد و سفرهای خارجی و البته گردش مالی حساب‌هایشان به‌صورت پیامک برای آنان ارسال شده است. در این شرایط، ادعای برخی نامزدهای نمایندگی مجلس درباره اموال‌شان به اندازه‌ای عجیب است که با معیارهای اعلام‌شده وزارت کار، آنان مشمول یارانه می‌شوند! فرهاد دژبند، وزیر اقتصاد هم درباره ادعای این افراد به «شهروند» می‌گوید ادعای کاندیداهای نمایندگی مجلس درباره اموال‌شان سندیت ندارد و او این ادعاها را باور نمی‌کند.

شناسایی اموال ۸۰میلیون ایرانی ظرف ۳ ماه

دارایی‌های ۸۰میلیون ایرانی فقط ظرف سه ماه بررسی شده آن‌قدر که مشخص شود هر شهروند ایرانی چه مدل خودرویی دارد یا سفر خارجی داشته یا نه یا گردش مالی‌اش ظرف سال‌های ۹۶، ۹۷ و ۹۸ به چه صورت بوده است؟ جزئیات بررسی این همه شهروند ایرانی برای پرداخت یارانه بنزین به‌حدی بود که حتی صاحبان حساب‌ها و کارت‌خوان‌های اجاره‌ای هم شناسایی شدند اما از این بانک‌های اطلاعاتی تا چه حد برای رسیدگی به ادعای مسئولان استفاده‌مدی‌شود؟

ادعاهای عجیب برخی مدیران ایرانی درباره اموال و دارایی‌شان بارها خبرساز شده است. عباس آخوندی، وزیر سابق راه و شهرسازی در نشست استیضاحش در اسفند ۹۶ به مجلس گفت که پدربزرگش وصیت کرده است لباس خوب بپوشد و این موضوع شائبه ثروتمندی او نیست! آخوندی صحبت‌هایش را این‌گونه ادامه داد که موجودی حساب بانکی‌اش فقط ۴میلیون تومان است و دخترش تنها ۴۳۰هزار تومان دارد!

محمدباقر قالیباف هم بیست‌ودوم اردیبهشت ۹۶ فهرست اموالش را رسانه‌ای کرد و با جزئیات بیشتر نوشت که ۳میلیون تومان در بانک ملی دارد، در بانک شهر ۲۵میلیون تومان پول سپرده‌گذاری کرده است و یک باب مغازه ۱۵ متری هم در بازار خیام مشهد به نام اوست. پسرش اسحاق قالیباف هم مطابق گفته پدر یک پاترول قدیمی مدل ۷۱ دارد و یک موتورسیکلت به‌علاوه یک‌میلیون تومان موجودی حساب بانکی!

نامزدهای انتخاباتی که مشمول یارانه هستند!

این دست‌فرمان را حالا برخی از کاندیداهای نمایندگی مجلس در پیش گرفته‌اند و با توییت‌هایی درباره میزان اموال خود ادعاهای عجیبی مطرح کرده‌اند. واو. الف یکی از کاندیداهای نمایندگی مجلس فهرست اموالش را این‌طور توصیف کرده است که یک خودرو پراید مدل ۹۴ دارد و یک موتورسیکلت فرسوده مدل ۱۸۴ به‌جز این، پدر همسرش ملکی را در شهرستان به شیوه صوری به نام او زده است تا بتواند روی آن ملک ۱۰۰میلیون تومان وام بگیرد و مستأجری کند.

ع.ح دیگر کاندیدای نمایندگی مجلس یازدهم هم گفته است که ۱۷۰میلیون تومان دارایی دارد که آن هم صرف رهن یک آپارتمان ۹۰ متری در صادقیه شده است و یک خودرو سواری سمند مدل ۹۰ و یک باغچه ۴۵۰ متری در یک روستا جزو دارایی‌های اوست. میم.اف هم که کاندیدای نمایندگی مجلس در دور یازدهم است، فهرست اموالش را این‌گونه تنظیم کرده است که یک آپارتمان ۷۵ متری در حکیمیه دارد که یک‌چهارم قیمتش وام پرداخت نشده است و با یک سمند مدل ۹۱ تردد می‌کند. به علاوه اینکه در حساب بانکی‌اش فقط ۵میلیون تومان پول نقد موجود است.



با این حساب بسیاری از کاندیداهای نمایندگی مجلس و حتی مدیران تراز اول کشور مشمول یارانه می‌شوند. محمد شریعتمداری وزیر کار، معیارهای دریافت یارانه معیشتی را حداکثر داشتن خانه یک‌میلیارد تومانی و خودرو ۲۵۰میلیون تومانی دانسته است. همچنین حقوق سرپرست خانوار نباید بالای ۵میلیون تومان باشد. از آنجایی که سازمان بازرسی کل مدعی شد که ماجرای حقوق‌های نجومی به کنترل درآمده و دریافتی‌های اضافه این افراد به بیت‌المال برگردانده شده است، می‌توان گفت مدیران زیادی بنا به ادعای خودشان درباره دارایی‌هایشان، مشمول کمک‌های معیشتی می‌شوند. حسین میرزایی، سخنگوی ستاد یارانه معیشتی در واکنش به این ماجرا به «شهروند» می‌گوید ستاد کمک‌های معیشتی به این موضوع ورود نکرده است و اطلاعی ندارد که می‌توان با بانک اطلاعاتی این ستاد ادعای مسئولان را درباره دارایی‌هایشان راستی آزمایی کرد یا خیر؟

وزیر اقتصاد: باور نکنید

فرهاد دژبند، وزیر اقتصاد اما پاسخ دیگری برای این موضوع دارد. او به «شهروند» می‌گوید ادعاهای کاندیداها سندیت ندارد و نمی‌توان فهرست اموال آنها را باور کرد.

او درباره راستی‌آزمایی ادعای مسئولان درباره دارایی‌هایشان توضیح می‌دهد که این وظیفه برعهده قوه قضائیه است و اطلاعی ندارد تا چه اندازه پیشرفت داشته و البته فکر نمی‌کند که نتایج آن به صورت شفاف برای عموم مردم قابل مشاهده باشد.

اکبر ترکان، مشاور سابق رئیس‌جمهوری اما قبول نداردکه بانک‌های اطلاعاتی برای شناسایی اموال افراد وجود ندارد. او به «شهروند» توضیح می‌دهد که اطلاعات اموال ملکی و زمین در سازمان ثبت اسناد و شهرداری‌ها موجود است و نیروی انتظامی پلاک خودروها را ثبت می‌کند و ثبت اسناد مدارک مالکیت خودرو و سایر اموال را دارد. ضمن اینکه شبکه بانکی هم موجودی حساب افراد را می‌تواند استعلام بدهد. بنابراین ادعای موجودنبودن بانک‌های اطلاعاتی نادرست است و تنها ایراد این است که این بانک‌های اطلاعاتی به صورت متمرکز به هم متصل نیستند تا اسناد و مدارک در اختیار تمامی ارگان‌ها و نهادهای کشور باشد و در انبارهای بایگانی یک سازمان اختفا نشود.

ترکان: بانک اطلاعاتی داریم و ادعاها قابل راستی آزمایی است

ترکان که اکبر ترکان مطرح می‌کند درواقع تعریف ساختار دولت الکترونیک است که در ایران به صورت پراکنده به اجرا درآمده است و هنوز بسیاری از ارگان‌ها یا با دولت الکترونیک همکاری نکرده یا اسنادشان را به صورت کامل در این ساختار بارگذاری نکرده‌اند. گذشته از این، همین ساختار پراکنده هم از یک دیدا سنتر یا مرکز داده برخوردار نیست و اطلاعات سازمان‌ها برای یکدیگر به دشواری قابل دسترسی است. به جز این حجم غالب اسناد برای عموم قابل مشاهده نیست. ایران درسال گذشته از بین ۱۵۶ کشور جهان رتبه ۸۶ را در دولت الکترونیک کسب کرده است که همچنان رتبه قابل قبولی برای ایران به حساب نمی‌آید.

فرهاد دژبند، وزیر اقتصاد به «شهروند» می‌گوید ادعاهای کاندیداها سندیت ندارد و نمی‌توان فهرست اموال آنها را باور کرد.

او درباره راستی‌آزمایی ادعای مسئولان درباره دارایی‌هایشان توضیح می‌دهد که این وظیفه برعهده قوه قضائیه است و اطلاعی ندارد تا چه اندازه پیشرفت داشته و البته فکر نمی‌کند که نتایج آن به صورت شفاف برای عموم مردم قابل مشاهده باشد.

مریم شکرانی

تلنگر

اروپا به دنبال ممنوع کردن خالکوبی رنگی و برنزه کردن

آژانس مواد شیمیایی اروپا قصد دارد دو رنگ را ممنوع کند که در بخش بزرگی از تاتوهای رنگی به کار می‌روند. دلیل، خطر ابتلا به انواع سرطان. ممنوعیت استفاده از سولاریوم هم بحث دیگری است که اتحادیه اروپا به دنبال آن است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از دویچه‌وله، Blue۱۵ و Green۷، این دو پیگمنت (رنگدانه) طبق فهرست آژانس مواد شیمیایی اروپا قرار است در آینده‌ای نزدیک ممنوع شوند. دلیل این ممنوعیت، هم احتمال سرطان‌زا بودن این مواد عنوان شده است. امروز (۵ شهریه)، کشورهای عضو اتحادیه اروپا در این مورد مشورت می‌کنند. آژانس مواد شیمیایی اروپا همچنین با اشاره به ممنوعیت این دو رنگ در حوزه مواد آرایشی، استدلال می‌کند اگر استفاده از آنها روی پوست ممنوع است به کار بردن آنها در پوست هم مجاز نیست.

مدت‌هاست که در مورد رنگ‌های به کار گرفته شونده در خالکوبی، این ظن وجود دارد که آنها دارای مواد سرطان‌زا هستند یا باعث مشکلاتی برای پوست می‌شوند. برای نمونه آژانس مواد شیمیایی اروپا ممنوع است که رنگدانه‌های Blue۱۵ یا Green۷ می‌توانند منجر به سرطان مثانه شوند. اما به دلیل کمبود تحقیقات در مورد رنگ‌های به کار رفته در تاتوها، نمی‌توان این را به راحتی اثبات کرد.

بیشتر رنگ‌های به کار رفته در خالکوبی ترکیبی از پیگمنت‌ها (رنگدانه‌ها) در یک محلول به صورت سوسپانسیون هستند.

از سوی دیگر هنوز مقررات یکدستی برای تمامی اتحادیه اروپا در مورد رنگ‌های تاتو وجود ندارد. آژانس مواد شیمیایی اروپا اکنون فهرستی منتشر کرده است با بیش از چهار هزار ماده به کار گرفته شده در تاتو و آرایش دائمی که در آینده ممنوع اعلام می‌شوند. این آژانس اعلام کرده است که در مورد رنگدانه‌های Blue ۱۵ و Greeny مهلتی دوساله در نظر خواهد گرفت تا در این زمان گذار، استودیوهایی که تاتو می‌کنند، جایگزینی برای این رنگ‌ها پیدا کنند.

از نیمه‌های ماه ژانویه، محافظان این ممنوعیت در حال جمع‌آوری امضا در قالب دادخواستی آنلاین برای دست‌کم جلوگیری از این ممنوعیت در آلمان هستند.

تاکنون بیش از ۱۲۸ هزار نفر این گ‌خواست را امضا کرده‌اند. به این ترتیب و با توجه به شمار امضاکنندگان، کمیته بررسی دادخواست‌های اینترنتی در مجلس آلمان این دادخواست را بررسی خواهد کرد.

این دادخواست اینکار صاحب یک استودیوی تاتو و آبالت تورد راین‌وستفالن آلمان است او می‌گوید: ممنوعیت رنگدانه آبی و سبز شامل حال بیش از ۳۰ درصد از رنگ‌های موجود برای تاتو و ترکیبات رنگی می‌شود. اگر اتحادیه اروپا این دو رنگ را واقعا ممنوع اعلام کند، به گفته او، آنها که به این کار مشغولند به سوی خرید غیرقانونی این مواد سوق داده می‌شوند. چرا که بسیاری از مشتری‌ها از تاتوهای رنگی صرف‌نظر نمی‌کنند.

از سوی دیگر روز گذشته انجمن کمک به بیماران سرطانی آلمان و انجمن پیشگیری از بیماری‌های پوستی این کشور به مناسبت روز جهانی مبارزه با سرطان، خواستار ممنوعیت استفاده از سولاریوم‌ها شدند.

این دو سازمان اعلام کرده‌اند که سالانه در اروپا تقریبا ۳۴۰۰ نفر با پیامدهای خطرناک‌تر برنزه کردن پوست در سولاریوم‌ها می‌کنند. نتیجه ترم می‌کنند در ۸۰۰ مورد از بیماری‌های پدید آمده در اثر برنزه کردن، مبتلایان جان خود را از دست داده‌اند.

به گفته‌ی کارشناسان این دو سازمان، مشتری‌های جوان‌تر از ۲۵ سال که اقدام به برنزه کردن خود در سولاریوم‌ها می‌کنند خطر ابتلا به انواع سرطان‌های پوست را با دست خود به طرز وحشتناکی افزایش می‌دهند.

استفاده از سولاریوم در آلمان برای کودکان و نوجوانان از سال ۲۰۰۹ ممنوع شد. گفته می‌شود که با وجود ممنوعیت، در سال ۲۰۱۸ در آلمان تقریبا ۱۴۰ هزار نفر به بنا بر ممنوعیت تعریف شده در سال ۲۰۰۹، اجازه ورود به سولاریوم را داشته‌اند، با وجود این، اقدام به برنزه کردن مصنوعی پوست خود کرده‌اند.

مرکز تحقیقات سرطان آلمان از دو برابر شدن شمار مبتلایان به انواع سرطان در ۲۰ سال آینده خبر می‌دهد.

به گفته کارشناسان آلمانی می‌توان با پیشگیری‌های اولیه راه را بر ۴۰ درصد از این بیماری‌ها بست. اما به گفته رئیس مرکز تحقیقات سرطان آلمان، بیشتر تدابیر تعیین‌کننده در این راه از سوی مردم رعایت نمی‌شوند. سیگار کشیدن، نوشیدن الکل اضافه وزن، کم‌تحرکی و تغذیه ناسالم مواردی هستند که شرایط ابتلا به سرطان را تسهیل می‌کنند.

پریده جراید

خودِ چرخ گردون هم نمی‌داند!

اینبنه رویا صدر – هر اثر طنز تسبیتی یا «ایژی» دارد؛ آنچه برگسون فیلسوف فرانسوی، آن را «ایژی تقلید زندگی» نامیده است. اثر طنز، چه در فرم و چه در مضمون، دریافت‌های آشنا را (که برایمان از فرط تکرار عادت شده و رنگ‌ست به خود گرفته است) می‌شکند، به بازی می‌گیرد، آن‌ها را هرگونه که دوست دارد بازآفرینی می‌کند و مخاطب را در این درهم شکستن و از نو ساختن دلبخواهی و بازیگوشانه دنیا و ماهیتا شریک می‌کند. رمان زاک قضا و قدری و اربابش نوشته دیدرو روشنفکر قرن هجدهمی فرانسوی و یکی از چهار چهره مهم عصر روشنگری نمونه اعلایی از این شکستن و دوباره ساختن است که همه‌چیز حتی نوشتن را شوخ‌طبعانه به بازی می‌گیرد. نویسنده از اولین جمله کتاب، خواننده را در این راه با خود همراه می‌کند و تا آخرین جمله ادامه‌اش می‌دهد؛ همراهی‌ای چنان شیرین و سرگرم‌کننده که مخاطب می‌خواهد لذت آن تا ابد با او باشد. جهان اثر از همان جملات ابتدایی بر اساس اتفاق شکل می‌گیرد و رابطه علت و معلولی در کار نیست.

این آدم‌های بی‌مکان و بی‌زمان که نه اسمشان مهم است و نه مقصدشان و این جهت ما را به یاد دیدی و گوگوی در انتظار گودو می‌اندازند، مهتر و ارباب هستند که بافهم همراه می‌شوند تا رمانی درباره داستان گفتن و روایت کردن شکل گیرد. اثر از طریق روایت‌هایی که این دو برای هم نقل می‌کنند یا شخصیت‌های دیگر رمان برایشان تعریف می‌کنند پیش می‌رود. برخلاف معمول آثاری با موضوع سفرهای ارباب و مهتری که سرانجامشان می‌کیست است، این بار شخصیت مؤثر و پرداخت‌شده‌تر، نوکر (زاک) است و اربابش (که در هیچ جای رمان حتی نامش تیتر نیامده است) زیر سایه او حرکت می‌کند؛ حرکتی که به‌خلاف دن کیشوت نه در سودای جنگ با آسیاب‌هاست و نه خیال زنده کردن رؤیای شوالیه‌ها را در سر دارد؛ زاک عاشق حرف زدن است، به قضا و قدر اعتقاد دارد، مدام می‌گوید «از خوب و بد هرچه در این بالبن به سرمان می‌آید، آن بالا نوشته شده» ولی وجود پرتناقض و نگاه متفاوت مطلب او باعث می‌شود که این اعتقاد در رمان تنها به کار ایجاد طنز موقعیت و کلام بیاید. زاک همان‌گونه که دوست دارد، رفتار می‌کند و برای توجیه می‌گوید: «همان بالا نوشته‌شده بود که این کار را بکنم» و یا درجایی به ارباب می‌گوید: «نظریه این که آن بالا نوشته شده وجود من برایتان ضروری است، من می‌توانم از این مزیت هر چند دفعه‌ای که موقعیت اجازه دهد، سوءاستفاده کنم» (ص۲۲۵).

علاوه براین ویژگی، داستان‌ها و خرده داستان‌های کتاب تیز معمولاً سویه کمیکی دارند که در شخصیت‌ها یا عملکردشان نهفته است و حکایت را یکسره به سمتوسوی طنز می‌کشاند. ولی طنز اثر تنها در طنز موقعیت یا عبارت و کلام خلاصه نمی‌شود و بیش از آن، نتیجه بازی نویسنده با فرم است. اثر (که از تریسترام شندی نوشته لارنس استرن فراوان تأثیر پذیرفته) در بستر روایتی سرشار از عناصر آثار پست‌مدرن (بازه‌دی نویسی و تقلید طنزآمیز از ژانرهای دیگر، حذف کامل پیرنگ و نبود داستانی معلوم و مشخص، بی‌فاعدگی در ساختار، عدم انسجام، اتصال کوتاه و پرش در روایت‌ها، حضور محسوس نویسنده، پایان‌های باز، فاصله‌گذاری، بینامتنیت، تغییر زاویه دید و استفاده از روایای متعدد، پارادوکس و...) حرکت می‌کند تا برخوردار از ساختاری شالوده شکنانه شود و رنگ اثری خلد رمان به خود گیرد تا آنجا که مخاطب را به تردید بیندازد که این اثر مربوط به چهار قرن پیش است، یا اثری است قرن بیست و یکمی؟!

رمان از زبان راوی دانای کل نقل می‌شود. اوست که همراه زاک قضا و قدری و اربابش سر به کوه و بیابان می‌گذارد تا پای روایت‌هایی بنشیند که آن‌ها می‌گویند یا از دیگران می‌شنوند. ولی قهرمان‌های ما پراکنده‌گو هستند ماجرایی را تا نیمه رها می‌کنند و سراغ یکی دیگر می‌روند. گاه نقل ماجرا به علت جدانشدن به فرجام نمی‌رسد و گاه آن‌قدر به سخن شاخ و برگ می‌دهند که ماجرای اصلی در سایه قرار می‌گیرد. این قهرمانِ راوی امکان نقل یک داستان درست‌وحسابی را نمی‌دهند! این است که جاهایی خسته می‌شوند، فرم را هر جا بخواهد تغییر می‌دهد و یا زمام اختیار را دست مخاطب می‌دهد تا هر طور خواست خودش اثر را ادامه دهد! مرجایی دو راه پیش روی مخاطب می‌گذارد تا هرکدام را که خوش داشت انتخاب کند! گاهی از خدا(ها) اظهار بی‌اطلاعی می‌کند و گاهی او هم چون شخصیت‌ها اعتراف می‌کند که ماجرای نقل شده یا آنچه واقعا اتفاق افتاده فرسنگ‌ها فاصله دارد! گاهی نیز در میانه ماجرا روایت را قطع می‌کند و شروع به حرف زدن و یا بحث با خواننده می‌کند که گاه مخاطب خودش حرف‌های راوی را قطع می‌کند و به‌عنوان شخصیت دیگر اثر به میدان می‌آید!

کتاب چنین دنیای آشفته‌ای را به تصویر می‌کشد تا در سایه از این به آن شاخه بپریدن‌های هنرمندانه و شوخ‌طبعانه، مخاطب را هم با خودش در لذت بردن از این بی‌نظمی آشفته شریک سازد! ولی این روند غیرعادی و اینگری از سفری که مسیر و هدفش معلوم نیست؛ از لطف و جذابیت اثر نمی‌کاهد. داستان‌پردازی پرکشش و ضربه‌نخ‌تند روایت‌های فرعی، چنان جذابیتی به متن می‌دهد که مخاطب علی‌رغم پیچیدگی ساختار اثر، آن را با لذت و به‌راحتی می‌خواند و ماجراهایش را دنبال می‌کند. به‌عبارت‌دیگر در این اثر، روایت‌پردازی فریبانی تکنیک نمی‌شود و ارزش درمانیک آن در سایه تکنیک قرار نمی‌گیرد؛ از سوی دیگر علی‌رغم این که اثر در بسیاری از لوقات به ماجراهای پیش‌پاافتاده و یا مضامینی که بارها توسط دارند پرداخته و آن‌ها را به طنز کشیده، ولی این امر از بار ادبی و هنری رمان نمی‌کاهد و مخاطب سختگیر را هم همچنان با خود همراه می‌کند.

اما این بازی‌های طنزآمیز با فرم و موضوع کتاب، دست‌مایه هدف دیگری قرار می‌گیرد؛ دیدرو در زمان اثر تخیل و نثر ساده و بازیگوشش را بکار می‌گیرد تا روایت خودش را از مضمون و موضوع محوری کتاب (قضا و قدر و جبر و اختیار) ارائه دهد و آن را شوخ‌طبعانه به بازی بگیرد. در این راه ویژگی‌های شخصیتی پر از تناقض و کاریکاتوریستی زاک (که در پس چهره حراف و عاقبت‌طلب و بعظاهر سبک‌مغزش فیلسوفی نهفته است) به بازی‌اش می‌آید و در قالب گزین گویی‌های فلسفی و اوراینی ظاهر می‌شود تا بیانگر این نظر نویسنده باشد که در این دنیا هیچ‌چیز مطلق نیست و زندگی نیز مانند رمانی که در دست داریم سرشار از تضادهایی فراتر از تفکر مطلق‌گرای جبر باور ارائه است. ضوابط اخلاقی، مقرراتی است که به‌نفع خودمان برای سایرین وضع می‌کنیم (ص۱۱۶).

«هیچ کس نمی‌داند این چرخ گردون چه می‌خواهد یا چه نمی‌خواهد، چه‌بسا خودش نیز ندانداص۱۵)

«ماسه‌چهارم عمرمان را به خواستن و نتوانستن می‌گذرانیم (ص۳۲۹)

این طنز فلسفی تنها در عبارات و گزین گویه‌ها نمی‌ماند و در عمق اثر جاری می‌شود تا زاک و اربابش در سفری که تمادی از گذشت زمان بر پایه رفتن به‌سوی سرنوشتی محتوم است رویاتنگر آن شوند. در فرازی از اثر، شخصیت‌ها به قله‌های واره می‌شوند که به کسی تعلق ندارد و متعلق به همگان است و شخصیت‌های اثر در آن بوده‌اند و خواهند بود. باین حال حدود بیست گستاخ مدعی ورانگ کل قله هستند و جرئت مخالفت را به کسی نمی‌دهند تا این فضای وهم‌آلود آمیخته با طنز تلخ، بازتابی از تفکر فلسفی دیدرو به ارمغان آید.

این اثر نیز از مرگ نویسنده‌اش مبتلا نیست و مورد تحسین بزرگانی چون گوته، هگل، مارکس، فروید، بالزاک، ویولر فرار گرفته. نویسنده‌ای مثل کوندرا آن را مسحور کننده خوانده و فیلیپا و نوشته‌هایی تحت تأثیر آن ارائه شده است. از اینرو آن را می‌توان از زوایای مختلفی بررسی کرد. ولی شک نیست که از زاویه‌ی طنز، زاک قضا و قدری و اربابش شگردهای طنزنویسی را یکجا در خودش جمع کرده تا در قالب یک رمان، به علاقه‌مندان به طنز یاد دهد چگونه می‌توان نگاهی عمیق و هستی شناسانه را به یاری سیالیت ذهنی و کمک گرفتن از بازی با فرم و نقل روایت‌های جذاب، در قالب اثری خواندنی و ماندگار تعکاس داد. خواندن این کتاب به همه کسانی که دوست دارند طنز بنویسند یا دوست دارند دگرگ کنند که دارند طنز می‌نویسند یا طنز می‌نویسند توصیه می‌شود.

زاک قضا و قدری و اربابش را مینو مشیری ترجمه کرده و اولین بار در سال ۱۳۸۶ از سوی نشر فرهنگ نو چاپ و منتشر شده است.